

منهای فوتبال

مرادی بالاخره به حکمش رسید



انتخابات فدراسیون وزنه برداری ۱۶ تیر برگزار شد ولی علی مرادی که توانست با کسب ۲۲ رای ریاستش را حفظ کند، دو هفته‌ای را برای امضا شدن حکمش منتظر ماند. مسعود سلطانی‌فر وزیر ورزش و جوانان بالاخره بعد از گذشت دو هفته حکم مرادی را امضا کرد تا به این شکل به تمام شائبه‌هایی که درباره ابطال انتخابات به دلیل تعداد رای ایجاد شده بود، پایان بدهد. قرار بود مراسم معارفه روز گذشته با حضور محمدشروین اسبقیان رییس دفتر امور مشترک فدراسیون‌ها برگزار شود. به این ترتیب علیرضا خسروی سرپرست فدراسیون آخرین روز کاری‌اش را بعد از دو ماه حضور در فدراسیون پشت سر گذاشت.

طلایی‌های قاره کهن

در ادامه رقابت‌های کاراته قهرمانی آسیا که به میزبانی تاشکند ازبکستان برگزار شد، تاهر دیروز کاراته‌کارهای کشورمان موفق به کسب سه مدال طلا شدند. طراوت خاکسار، حمیده عباسعلی و ذبیح... پورشیب مدال‌های طلای ایران را کسب کردند. همچنین رزیتا علیپور در وزن ۶۱ کیلوگرم مبارزه نهایی را برای داوران به «یاویان» از چین واگذار کرد و نقره گرفت. همچنین کاتای تیمی بانوان نیز به مدال نقره رسید و چهار مدال برنز توسط بهمن عسگری، سجاد گنج‌زاده، فاطمه صادقی و کاتای تیمی مردان شده بود. شاید اگر سهل انگاری و بی‌تفاوتی فدراسیون قبلی که محمدصادق فرجی راه عنوان رییس داشت نبود و محرومیت امیر مهدی زاده حل شده بود، حالا از یک مدال دیگر هم در قاره کهن می‌نوشتیم.

پرسپولیس در شطرنج

در فاصله دو ماه مانده تا آغاز سوپرلیگ شطرنج (جام اندیشمندان) حضور پنج باشگاه شناخته شده کشورمان در این مسابقات قطعی شده است. پس از رایزنی و توافق مسئولان فدراسیون شطرنج با باشگاه‌های پرسپولیس، سپاهان، ذوب آهن، سایپا و سپیدرود رشت حضور این پنج باشگاه در رقابت‌های سوپرلیگ شطرنج ایران قطعی شده و آنها فصل آینده در لیگ شطرنج تیمداری خواهند کرد. طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته به احتمال زیاد قاره‌کشی رقابت‌ها، سپهر یورپ برگزار می‌شود. پرسپولیس در حالی اقدام به ورود به لیگ شطرنج کرده که پیش از این سابقه خوبی از حضور در رشته‌های دیگر از خود بر جای نگذاشته است. تیمداری در لیگ دوومیدانی و جذب احسان حدادی و حضور در لیگ وزنه‌برداری با استخدام بهداد سلیمی که عنوان هر کول ایرانی را یدک می‌کشید، تصمیم‌هایی بود که این تیم نتوانست از آن سر بلند بیرون بیاورد. حال باید دید حضور سرخ‌ها در لیگ شطرنج به چه شکل خواهد بود.

کپهانی و پیچ انتخابات!

مجید کپهانی رییس فدراسیون دوومیدانی که کم‌تر کسی از تلاش‌هایش برای حفظ صندلی ریاست خبر ندارد، بعد از اینکه یک بار عنوان کرد روحیاتش با کار در هر شرایطی سازگار نیست (!) همچنان می‌گوید تصمیمی درباره کاندیداتوری‌اش نگرفته است. تلاش‌های او برای جمع کردن رای، بردن روسای هیات‌ها به سفرهای خارجی، هزینه‌های تبلیغاتی و... تنها گوشه‌ای از مواردی است که اهالی دوومیدانی به آن اشاره و از کپهانی انتقاد می‌کنند. او در حالی چراغ سبزی‌های حضورش در انتخابات نشان نمی‌دهد که شایعات درباره انتخاب سرپرست برای فدراسیون راهم‌ر می‌کند. کپهانی همچنین در مورد انتقادهایی که به سفرهای زیادش می‌شود هم عنوان داشت: «تمام مسافرت‌های من در حد و حدود جلساتی بوده که بر اساس ستم به عنوان رییس فدراسیون انجام شده است. باید بر اساس وظیفه ذاتی هر فدراسیون در آن سفر حاضر می‌شدم. اگر غیر این بود باید به من انتقاد می‌شد. من فکر می‌کنم این‌ها در سایر فدراسیون‌ها هم اتفاق می‌افتد.» باید اشاره کرد کپهانی از وظایف رییس بودنش، تنها سفر رفتن را به خوبی انجام می‌دهد. او وظایف دیگری‌اش از جمله برنامه‌ریزی، تدارک اردو، جذب مربی، ایجاد شرایط مناسب تمرینی و خیلی موارد دیگر که بسیار است را به کل فراموش کرده است. تاجایی که فدراسیون حتی از حسن تفتیان دوندۀ سرعت ایران خبر هم ندارد!

روایتی کوتاه از زندگی غم‌انگیز یک استعداد تباه شده

پیام، صادقان را کشت

«پسری که می‌خواهد حق پدرش را از فوتبال بگیرد.» این داستان نیم‌خطی جذاب ورود پیام صادقان به دنیای فوتبال بود. پدر او، حسن صادقان سال‌ها قبل در تبریز بازی می‌کرد اما در زمین آسیب دید، خانه‌نشین شد و در تنهایی در گذشت. پیام، آمده بود تا کارهای نیمه‌تمام پدرش را در فوتبال انجام بدهد و به یک ستاره بزرگ تبدیل شود. اولین چشمه‌های استعداد ذاتی خیره‌کننده او در اردوی تیم‌های ملی پایه نمایان شدند. او با تیم ملی نوجوانان به جام جهانی رفت و در حالی که بازوبند کاپیتانی تیم را بر بازو داشت، گل‌هایی ماشایی برای آن تیم به ثمر رساند. پسر شماره ۱۱ تیم ملی نوجوانان، در ذوب آهن به استعدادش سرور و شکل داد و خیلی زود شانس بازی در یکی از تیم‌های بزرگ پایتخت را به دست آورد. او در اولین هفته از

لیگ سیزدهم، از روی نیمکت بلند شد. به درون زمین رفت و با یک پاس گل ماشایی، سرنوشت مسابقه با تراکتور را به سود تیم علی دایی تغییر داد. با این پاس، پیام دیگر به نیمکت برگشت و تا پایان فصل، عضو ثابت ترکیب قرمزها بود. پس از چند سال، بازیکنی در فوتبال ایران ظهور کرده بود که حرکاتش در زمین تماشاگرها را به وجد می‌آورد. کسی که به سرعت برق و باد از مدافعان حریف رد می‌شد و با استرات‌های انفجاری طولانی، نفرت روبه‌روا مات و مبهوت می‌کرد. پاس بیرون پای صادقان به خلعتبری در دیدار برگشت باملوان، هنوز بخشی از حافظه هواداران پرسپولیس است. همه چیز آماده بود تا او به قله‌های بالاتری بر تاپ شود. تا پیراهن تیم ملی را به دست بیاورد و راهش را به طرف بهترین تیم‌های اروپایی هموار کند. همه چیز آماده به نظر می‌رسید اما یک نفر خواست که هیچ اتفاق بزرگی برای

این بازیکن رخ بدهد. آن یک نفر، خود «پیام صادقان» بود. پیام صادقان، یکی از بااستعدادترین مهره‌ها در نسل خودش به شمار می‌رفت. او در روزهای اوج، حتی از این روزهای علیرضا جهانبخش و سردار آزمون نیز بهتر بود و می‌توانست برای سال‌ها در ترکیب تیم ملی بدرخشد. دوران افسول این ستاره اما خیلی زود آغاز شد. او از شروع لیگ چهاردهم، بازیکن دیگری بود. صادقان با هل دادن داور مسابقه با فولاد، ۱۲ جلسه از همراهی تیمش محروم شد و این دوره زمانی را به جای تلاش برای بازگشت به فرم خوب، با تغییرات مهمی در زندگی‌اش گذراند. او در انتخاب دوستانش دقت چندانی نداشت و ظاهراً آماده روبه‌رو شدن با این حجم از شهرت نبود. تا آخر فصل، دیگر هیچ‌کس نامیشی دلچسب از صادقان ندید. خمیازه‌های او در



تمرین زیر نظر حمید درخشان و مدتی بعد در گیری‌اش با کریم باقری روی نیمکت پرسپولیس، آینده‌اش در این باشگاه را تیره و تار کرد. بعدها حتی علیرضا منصوریان، علی دایی و علی

کریمی تلاش کردند تا پیام را زنده کنند اما او دیگر از دست رفته بود. حتی فوتبال ترکیه، تغییری در مسیر حرفه‌ای این فوتبالیست به وجود نیاورد. همین حالا هم، او پیشنهادهایی دریافت کرده است. موضوعی که نشان می‌دهد هنوز عده‌ای به بازگشت پیام امیدوار هستند. خود این بازیکن اما ظاهراً دیگر به خودش امیدی ندارد. او حالا خودش را با وبسایت شربندی سرگرم می‌کند تا در ۲۷ سالگی فوتبالش برای همیشه تمام شود. صادقان می‌تواند با این وبسایت، پول زیادی به دست بیاورد و زندگی آرامی داشته باشد اما هیچ‌وقت نباید فراموش کند که یکی از مهم‌ترین استعداد‌های این سال‌های فوتبال ایران را به قتل رسانده است. او حالا زمان زیادی برای خمیازه کشیدن خواهد داشت و در مستطیل سبز، دیگر هیچ‌کس انتظار این بازیکن را نخواهد کشید.

برونده

نگاهی به ستاره‌هایی که در فوتبال ایران بزرگ نشدند

یادشان رفت چشمک بزندا!

آریا طاری

همه فوتبالیست‌ها در نوجوانی برای خودشان نقشه می‌کشند، خودشان را در بهترین باشگاه‌های دنیا تصور می‌کنند، درباره ثروت و شهرتی که به دست خواهند آورد رویا می‌یافتند و با آغوش باز به استقبال «آینده» می‌روند اما این آینده، برای همه آنها خوشایند نیست. فوتبال درست به اندازه جذاب بودنش، «بی‌رحم» هم هست و با اولین لغزش‌ها، می‌تواند یک ستاره را برای همیشه در مسیر فراموش شدن قرار بدهد. در این سال‌ها، ستاره‌های زیادی در فوتبال ایران درخشیدند اما زودتر از آن چه تصور می‌شد، محو شدند و تجربه کردند. هنوز هم هیچ چیز، غم‌انگیزتر از تماشای یک استعداد تلف شده نیست.

مجاهد خذبرای

مجاهد در فوتبال ایران، سمبل «استعدادهای سوخته» است. بازیکنی که در جوانی به بزرگ‌ترین آرزوهایش رسید و پیراهن استقلال و تیم ملی را به دست آورد. همه چیز آماده بود تا او به بزرگ‌ترین باشگاه‌های اروپایی بر تاپ شود اما مجاهد خیلی زود از سکوی پرتاب پایین آمد. حاشیه‌های زندگی شخصی و البته یک مهمانی در درس‌ساز، موجب شد که او برای چند فصل از فوتبال فاصله بگیرد و دیگر هرگز تصویر آن بازیکن سریع، جذاب، چالاک و تکنیکی را در زمین بازسازی نکند. اگر خذبرای کمی و فقط کمی حرفه‌ای‌تر زندگی کرده بود، سال‌ها برای باشگاه‌های خارجی و تیم ملی ایران توپ می‌زد و شاید امروز یکی از چهره‌های اسطوره‌ای فوتبال بود.

امیرمحمد مظلوم

تنها چند سال قبل، با نمایش هایش در ترکیب تیم ملی نوجوانان ایران چشم‌ها را خیره کرد. مظلوم یک دریل‌زن ذاتی بود و از تکنیک خارق‌العاده‌ای بهره می‌برد. او خیلی زود به شهرت رسید و نتوانست با این شهرت کنار بیاید. مظلوم در شهر کوچکی زندگی می‌کرد و ناگهان خبرهایی تلخ در مورد او در این شهر پیچید. خبرهایی که حقیقت داشتند. این فوتبالیست با استعداد، انتخاب‌های دیگری برای زندگی‌اش انجام داد و هرگز نتوانست در لیگ برتر و حتی لیگ یک به میدان برود.

رضا حقیقی

در فجر سیاسی آنگذر آماده بود که پرسپولیس‌ها بی‌درنگ مبلغ رضایتنامه‌اش را پرداخت کردند و این بازیکن را به خدمت گرفتند. او با مادگی بدنی مثال‌زدنی، در مرکز زمین قرمزها به یک ستاره تبدیل شد. رضا که بازیکن مورد علاقه کارلوس کی‌روش نیز بود، با تیم ملی به جام جهانی رفت و حتی دقیقاً در این تورنمنت بازی کرد. با این وجود زندگی شخصی او با مسیر حرفه‌ای‌اش تداخل داشت. حقیقی به همان سرعت که مطرح شده بود، سقوط کرد و دیگر نتوانست فوتبال حرفه‌ای را ادامه بدهد.

فردین عابدینی

او کشف بزرگ امیرقلعه‌نویی در استقلال بود و با همین مربی، به تراکتورسازی تبریز رفت. ستاره سابق جوانان استقلال، شروع درخشانی در تراکتور داشت اما مصدومیت شدیدی مانعی در مسیر پیشرفت او قرار داد. فردین برای مدت‌ها از فوتبال دور بود و دیگر نتوانست توجه تراکتوری‌ها را برای تمدید قرارداد جلب کند. او هر سال بین باشگاه‌های مختلف پاسکاری شده و حالا قرار است فصل جدید را در ترکیب ماشین‌سازی آغاز کند. او

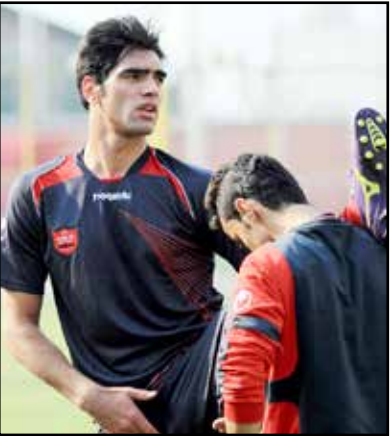
بازی کند. پس از این دوره کاپوس‌وار، او به آمریکا برگشت اما دیگر هیچ نشانی از آن بازیکن طلایی نداشت. فردی حالا در رده آماتور فوتبال بازی می‌کند. **هارونا بانگنیدا** تبدیل شدن به بهترین بازیکن جام جهانی زیر ۱۴ سال، موجب شد این بازیکن در تیررس باشگاه آژاکس قرار بگیرد. تنها یک سال بعد، گول‌های کاتالان برای خرید هارونا دست به کار شدند و در نهایت این بازیکن کم‌سن و سال به لاس‌انسیاس برده شد تا تبدیل به یکی از مهره‌های خوب آینده بار سا شود. او در همان سن و سال حتی برای تیم اصلی نیز بازی کرد اما در نهایت بار، سال حاضر به حفظ این مهره نداشت. اتفاقی که افسردگی او را به دنبال داشت. هارونا در ادامه دوران بازی فقط برای تیم‌های کوچک بازی کرد و هیچ‌کس نفهمید چه زمانی بازنشسته شد.

فرانسیس جفرز

او وین رونی بود، حتی قبیل اینکه خود وین رونی، وین رونی باشد! فرانسیس در سال ۱۹۹۷ فقط ۱۶ سال داشت که اولین بازی‌اش برای اورتون را انجام داد. آرسنالی‌ها، جدی‌ترین مشتری جفرز بودند و در سال ۲۰۰۱ برای این بازیکن ۲۰ ساله، مبلغ قابل توجهی هشت میلیون یورو را پرداخت کردند. این مهاجم دو سال ناکام در لندن داشت و سپس به اورتون بازگشت و در ۱۸ بازی متوالی موفق به گل‌زنی برای این تیم نشد. استرالیا، اسکاتلند و مالت، مقاصد بعدی بازیکنی بودند که در سال ۲۰۱۳ کفش‌هایش را بدون آنکه برای آدم‌های زیادی اهمیت داشته باشد آویخت.

کرلون

در جام ملت‌های آمریکای جنوبی در سال ۲۰۰۵، هم جایزه بهترین گل‌زن را از آن خود کرد و هم تبدیل به بهترین بازیکن تورنمنت شد. او توانایی حیرت‌انگیزی در دریل زدن داشت و این نوید را به برزیلی‌ها می‌داد که موفق شده‌اند یک استعداد ناب جدید را کشف کنند. کرلون مدتی بعد از کروزیرو جدا شد و به باشگاه اینتر پیوست. اولین دریل‌های این ستاره جوان در سری آ، با خطاهای خشنی همراه شدند که مصدومیت‌هایی را برای او در پی داشتند. همین مصدومیت‌ها موجب شدند او خیلی زود از سطح اول فوتبال حرفه‌ای فاصله بگیرد و به بازیکنی کاملاً معمولی تبدیل شود. کرلون خیلی زود دیپورت شدن از فوتبال اروپا را تجربه کرد.



امیرمحمد مظلوم